

۱۱۵۷۲۲۹



داستان‌های مثنوی

(به زبان نثر)

دفتر چهارم

www.ketab.ir

داود جمشیدی‌نیا

سرشناسه	:	جمشیدی‌نیا، داود، ۱۳۵۰ -
عنوان قراردادی	:	مثنوی
عنوان و نام پدیدآور	:	داستان‌های مثنوی / مولف داود جمشیدی‌نیا.
مشخصات نشر	:	تهران: الماس دانش، -
مشخصات ظاهری	:	ج:
شابک	:	دوره: ۹۳-۵-۴۴-۵۰۴۴-۹۷۸-۶۰۰-۱: ج. ۸-۱-۴۴-۵۰۴۴-۹۷۸-۶۰۰-۴: ج. ۴-۹۷۸-۶۰۰-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتاب حاضر اقتباسی از کتاب "مثنوی" اثر مولوی است.
موضوع	:	مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی -- اقتباس‌ها
موضوع	:	داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
شناسه افزوده	:	مولوی، جلال‌الدین محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۸۹ ۵۸۸۵۲ م/۱۱ PIR۸۰۱۱
رده‌بندی دیویی	:	۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۰۹۴۳۹۰



تلفن: ۶۶۴۹۳۷۵۳

ناشر	:	الماس دانش
عنوان کتاب	:	داستان‌های مثنوی (به زبان شعر): دفتر چهارم
نویسنده	:	داود جمشیدی‌نیا
ناظر چاپ	:	سیدناصرالدین گشتایی
چاپ	:	جباری - ۷۷۶۰۸۳۲۴
لیتوگرافی	:	آرمان‌سا - ۶۶۴۹۴۶۵۲
شمارگان	:	۱۰۰ جلد
نوبت چاپ	:	اول - ۱۴۰۲
قیمت	:	۵۵۰۰۰ تومان
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۵۰۴۴-۹۱-۱
شابک دوره	:	۹۷۸-۶۰۰-۵۰۴۴-۹۳-۵
تلفن	:	۶۶۱۳۵۶۹۴-۶۶۹۶۸۰۵۸

کلیه حقوق و حق چاپ متن، طرح روی جلد و عنوان کتاب با نگرش به قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ محفوظ است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار.....
۷	مقدمه.....
۹	زندگی‌نامه مولانا.....
۱۳	داستان‌های مثنوی به زبان نثر: دفتر چهارم.....
۱۳	قصه درویشی که زن خود با بیگانه‌ای دید.....
۱۶	قصه آن دَبَاغ که از بوی عطر در بازار بی‌هوش شد.....
۱۷	قصه ساختن مسجدالاقصی و حضرت سلیمان نبی.....
۲۲	حکایت واعظی که ستمگران و بی‌دینان را دعا می‌کرد.....
۲۴	قصه عطاری که سنگ ترازوی او گِل سرشویی بود.....
۲۷	داستان درویش و هیزم‌شکن.....
۲۸	حکایت مردی که از بالای درخت، گریه درون آب می‌انداخت.....
۲۹	داستان ابراهیم آدهم و علت ترک سلطنت.....
۳۰	قصه یاری خواستن حلیمه از بُتان.....
۳۲	قصه شاعر و هدیه دادن شاه.....
۳۵	حکایت نوشتن نامه غلام به پادشاه به خاطر کم شدن جیره غذا.....
۳۸	تشابه دعوای جان و روح با نفس با دعوای شتر و مجنون.....
۳۹	حکایت فقیه با عمامه‌ای بزرگ.....
۴۱	حکایت مداحی که برای حفظ آبرو دروغ می‌گفت.....
۴۳	مژده دادن بایزید بسطامی، تولد ابوالحسن خرقانی را.....
۴۵	قصه سه ماهی عاقل، نیمه‌عاقل و احمق و صیادان.....
۴۷	قصه پرنده گرفتار شده و سفارشات مهم او بر صیادش.....
۴۸	قصه باز (عقاب) پادشاه و پیرزن فرتوت.....
۴۹	قصه زنی که بچه‌اش بالای ناودان گیر کرده بود.....
۵۱	بیان آنکه چرا خداوند حضرت موسی را دوست داشت.....
۵۲	خشم گرفتن پادشاه بر نوکر خود.....
۵۴	پرسیدن موسی (ع) از خداوند که چرا مردم را می‌آفرینی و بعد می‌کشی.....
۵۵	حکایت شاهزاده‌ای که سلطنت حقیقی بر وی آشکار شد.....

فهرست مطالب

۵۷.....	حکایت زاهدی که در سال قطعی با وجود فقر شاد و خندان بود.....
۵۸.....	قصه شکایت الاغی به شتر.....
۵۹.....	التماس کردن قبطی به سبطی برای خوردن آب.....
۶۲.....	حکایت زن بدکار که به شوهرش می گفت: از بالای درخت گلابی جهان طور دیگری است.....
۶۴.....	قصه مورچه‌ای که روی کاغذ راه می رفت.....

www.ketab.ir

مقدمه

مردم جامعه کنونی ما به دلیل مشغله‌های فراوان متأسفانه از دریای حکمت و ادب فارسی که در دنیا زبان‌زد نخبگان سایر ملل می‌باشد دور افتاده‌اند. افرادی هم‌چون گوته آلمانی یا آنه‌ماری شیمل و یا مرحوم نیکلسون و صدها نفر از عالمای داخل و خارج که هر یک در مدح ادبای شعر فارسی، کتاب‌ها نگاشته‌اند مرا بر آن داشت با توجه به وسع و دانش اندک خود به قصد ترویج فرهنگ اصیل انسان‌ساز ایرانی و اسلامی و انجام تکلیف و نه به‌عنوان خودنمایی جسارتاً قدمی هرچند کوچک درمقایسه با کارهای ژرف و اقیانوس‌وار فضلالی این علم بردارم. پس از مدتی تأمل در این موضوع دیدم عاملی که باعث جدا افتادن مردم از این وادی شده است، اول مشغله‌های روزمره آن‌ها و دیگر سنگین بودن ریل‌های موجود ادبیات کهن ما و سختی درک آن برای عامه است که باعث خسته شدن و دوری آنان شده است. بنا به دلیل ارادت خاص به مثنوی مولوی تصمیم گرفتم اشعار مثنوی شریف حضرت مولانا را که تماماً مشتمل بر گرفته از فرهنگ اصیل اسلامی و منبعث از اخلاق و عرفان می‌باشد را به‌زبانی ساده و شیوا و داستانی‌وار و به‌صورت چکیده درآورده تا باعث جذب اقشار جامعه به‌خصوص نوجوانان عزیز گردیده و از این دریای حکمت متنعم شوند، ضمن این‌که در وهله اول قدمی در ارتقای سطح روحی و فکری خود برداشته باشم. مردم تصور می‌کنند که رابطه ما با مثنوی رابطه‌ای است خشک و بی‌محتوا، رابطه‌ای در سطح الفاظ و ادبیات، حال آن‌که مثنوی پیامی بس عمیق در خود نهفته دارد، پیام مثنوی هشدار است به انسان، فریادی است برای بیداری و خروج از حصار نقش‌های ساخته ذهن او، مثنوی ما را با شرح رنج‌های خویش در یأس و نومیدی رها نمی‌کند، با صدها اشاره، داستان و تمثیل نوید می‌دهد که می‌توان ترک غربت کرد و به نیستان اصیل خویش بازگشت، داستان‌هایی که در آن هزار نکته اخلاقی، اجتماعی و... وجود دارد که می‌توان با خواندن و درک درست از آن در ارتقای کمالات انسانی قدم‌های بزرگی برداشت. با این وصف کار خود را به حول و قوه الهی و بهره‌گیری

از تفاسیر و شرح‌های مثنوی موجود و استفاده از ارشادات استاد گرانقدرم دکتر شمس‌الدین ربیعی که خداوند طول عمر و سلامتی به ایشان عنایت فرماید از دفتر اول مثنوی مولوی شروع نمودم، ولیکن از داستان اول که همان سر نی یا نی‌نامه معروف است به‌دلیل داستانی نبودن موضوع و این‌که می‌باید نتوان حق مطلب را به‌طور احسن و اکمل ادا نمایم صرف‌نظر کرده و از داستان دوم که داستان عاشق شدن کنیزک و پادشاه است شروع نمودم. باشد که مرضی درگاه خداوند متعال قرار گیرد.

داود جمشیدی‌نیا

www.ketab.ir